

ناگفته‌های هیچ وقت

نویسنده:

مرتضی غلام احمدی

www.ketab.ir

ناگفته‌های هیچ‌وقت / مرتضی غلام‌احمدی. -- تهران: دستان، ۱۳۹۰.

ISBN: 978-964-2987-78-8

۹۶ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

نثر فارسی -- قرن ۱۴.

۸۶۸/۸۶۲

PIR ۸۱۵۲/۱۴۲ ۱۳۹۰

۲۴۱۹۲۳۵

کتابخانه ملی ایران



انتشارات دستان

میدان انقلاب، خ اردیبهشت، خ وحید نظری، پلاک ۴۶. تلفن: ۷۶۹۵۴۸۰۰

نام کتاب: ناگفته‌های هیچ‌وقت

نویسنده: مرتضی غلام احمدی

تصویرگر: مینا غلام احمدی

چاپ اول: ۱۳۹۱ - شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه - چاپ و صحافی: کاوا

صفحه‌آرا: خدیجه شاهسون

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۷-۷۸-۸ ISBN: 978-964-2987-78-8

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

تلفن پخش: ۶۶۴۶۱۰۲۱

Morteza_gh.ahmadi@yahoo.com

فهرست

۹	 مقدمه
۱۱	 نیلوفر
۱۲	 عشق ممنوعه
۱۳	 امید درخت
۱۴	 فاتحه‌ای برای وقت
۱۵	 حفرة خالی
۱۶	 قصه سنگ
۱۷	 نقطه‌ها
۱۸	 دام نامرئی تو
۱۹	 گرگِ درونم
۲۰	 غروبی بی‌انتها
۲۱	 غریبه با باران
۲۲	 قوطی خالی تنهایی
۲۳	 جوی آب بی‌آب
۲۴	 سازشی با عقل
۲۵	 یک ذره از زندگی
۲۶	 توهم
۲۷	 ریشه خواهم زد
۲۸	 تند حرف زدن

۶ ◇ ناگفته‌های هیچ وقت

۲۹	عشق آتش، آتشین نبود
۳۰	زمستان عاریه
۳۱	آرزوی قیچی
۳۲	من و تنهایی و فاصله
۳۳	شاید
۳۴	بی‌خوابی
۳۵	چشم‌امون
۳۶	تخلیه
۳۷	دنایای مجاری من
۳۳	رؤیای من
۳۹	نور، آتش، بهار دیگر
۴۰	دل دریایی ما
۴۱	مرگ
۴۲	باران
۴۳	همین است که هست
۴۴	دل دل‌هایم
۴۵	بهانه‌ای نو
۴۶	جشن تولد زندگی
۴۷	شراره‌های نگاهت
۴۸	روز موعود
۴۹	برگ‌های بلوط بُنه
۵۰	حضور تو
۵۱	زمین ما
۵۲	نقطه، سر خط
۵۳	یک نفس مانده به صبح
۵۴	فرهاد
۵۵	آهو

ناگفته‌های هیچ وقت ◇ ۷

- ۵۶ شب‌های سرد من
- ۵۷ رؤیای پوشالی
- ۵۸ نامی مقدس
- ۵۹ پنجره
- ۶۰ پناهی پناه من
- ۶۱ کسی می‌نویسد
- ۶۲ چاه جهان
- ۶۳ درخت درونم را تبر زدم
- ۶۴ پیغام
- ۶۵ نور کوچکی از شب تاب
- ۶۶ باران تابستانی
- ۶۷ دوی گنجشک
- ۶۸ آسمان
- ۶۹ افکار مرده قدیمیان
- ۷۰ عروسک کوچکی
- ۷۱ انگشت پای احساسم
- ۷۲ صبحی نمناک
- ۷۳ اکنون شیطانم
- ۷۴ من و تو
- ۷۵ روح پر شکوه
- ۷۶ جراحت
- ۷۷ وصیت من
- ۷۸ یاد
- ۷۹ دل کباب آدم برفی
- ۸۰ اسیر همیشگی زمین
- ۸۱ سیزدهمین روز سال
- ۸۲ امیدهای ناامیدی

۸ ◇ ناگفته‌های هیچ وقت

- اگر می‌شد ۸۳
- یک روز فوتبالی ۸۴
- لالایی برف‌ها ۸۵
- غرق شده در من ۸۶
- بوی خوش کاهگل ۸۷
- حال با حال ۸۸
- کودک بادبادک به دست ۸۹
- پرسه در باد ۹۰
- صورتک عشق ۹۱
- فرمانده ۹۲
- چراغی به نام شانس ۹۳
- سایه یک عقاب ۹۴
- سکوتم پر از فریاد است ۹۵
- حرف آخر ۹۶

مقدمه

امروز دوباره قلم خشکیده‌ام را جوهر روانیدم، تا دوباره حرفی بزنم، از درد و آه و ننگ نیست، از هیبت رنگ و از تکرار نیست حرفم، از آغاز می‌گویم و نوعی نو، از سکوتی که چند وقتی است گریبان‌گیر حالم بوده و لالایی شب‌هایم...

قطره‌چکان را درون محلول بردم و چند قطره بر ذهن بیمارم چکاندم، تا کهی‌های فکری‌ام شسته شود، و اما بعد، به کنار آئینه آمدم و تا می‌شد خاطره‌شانه زدم، آن قدر زدم و زدم، تا صاف صاف شد گذشته، مثل یک قالب یخ شفاف مثل یک گلوله برف براق.

نفسم تنگ شده و قلبم گاهی وقت‌ها محکم محکم می‌زنه، چشام دارن بسته می‌شن ولی، بیدار بیدارم، دستام پُر زخم، پاهامو کنار اون کفش سیاه جا گذاشتم و رو دستام راه می‌رم، آسه آسه، بی حرف اصاده... به زور دارم خودمو تو خودم جا می‌کنم، تنگمه، سختمه، آواره‌ام، آواره خودم و هیچ کس، کنار حرف‌های هیچ کس و ناگفته‌های هیچ کس، لحن نگاهام گرمه ولی، سِرْم تلخ به دستمه.

دوباره قلمم خشکید، پر از جوهره و انگیزه، ولی خشک شد این چشمه محبوب، منتظر بارون می‌مونه تا تولد یک ابر سیاه.